



مرکز پژوهش‌های علمی و  
مطالعات استراتژیک خاورمیانه

فصلنامه مطالعات منطقه‌ای؛ اسرائیل‌شناسی - آمریکاشناسی

دوره ۲۴، شماره ۲، تابستان ۱۴۰۲

Home page: [www.cmess.sinaweb.net](http://www.cmess.sinaweb.net)

## سخن فصل

### آینده رقابت چین و آمریکا در غرب آسیا

سید حسین موسوی<sup>۱</sup>

دولت بایدن سرانجام نسبت به تحرکات اخیر چین در خاورمیانه ابتدا با اعزام طلایه‌داران فناوری نظیر ایلان ماسک و بیل گیتس و سپس با ارسال وزیر خارجه خود به چین واکنش نشان داد. فراروی چین از سطح روابط اقتصادی با کشورهای غرب آسیا به سطح سیاسی - امنیتی که در حصول توافق میان جمهوری اسلامی ایران و عربستان در پکن پرده برداری شد، زنگ‌های هشدار را در آمریکا به صدا درآورد. آمریکا ابتدا تلاش کرد این توافق را کم اهمیت جلوه دهد و این مسئله را به تنش در روابط خود با کشورهای حوزه خلیج فارس مرتبط نداند، به همین دلیل دولت بایدن تأکید کرد روابط محکمی با عربستان دارد و گفتگوی سه جانبه چین، ایران و عربستان از چشم این کشور دور نبوده است. واکنش بعدی از چین توافقی میان سه کشور، صرف نظر از آنکه چه کسی آن را مدیریت کرده است، استقبال کرد و آن را باعث کاهش تنش در منطقه برشمرد. در همین ارتباط یک مقام آمریکایی تأکید کرد که آمریکا و چین بر ایجاد ثبات و استقرار در آبراه خلیج فارس مصلحت مشترک دارند زیرا هر دو کشور امنیت این آبراه را برای تداوم جریان انرژی ضروری می‌دانند. در سطح سوم از واکنش‌ها آمریکا هر گونه عقب‌نشینی از منطقه خاورمیانه را رد کرد و با انجام یک سلسله اقدامات نظامی و حضور بیشتر ناوگان دریایی خود و با برگزاری مانورهای دو جانبه و چند جانبه با کشورهای جنوبی خلیج فارس تلاش کرد تا سطح نفوذ خود را یادآور شود. اما با وجود این تأکیدات در سطوح دیپلماتیک و تحرکات سیاسی - نظامی، کارشناسانی در کشور آمریکا معتقد هستند که نظام جغرافیایی راهبردی در غرب آسیا

۱ - مدیرمسئول فصلنامه مطالعات منطقه‌ای؛ اسرائیل‌شناسی - آمریکاشناسی و رئیس مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه.

تغییر کرده و دیگر آمریکا تنها قطب تاثیرگذار در حوزه جهان عرب و کشورهای حاشیه جنوبی خلیج-فارس و به‌ویژه عربستان نیست.

افزون بر چین به‌عنوان یک قدرت نو ظهور که در ارتقاء چشمگیر روابط با کشورهای غرب آسیا همچنان پیشتاز است، روسیه را نیز نمی‌توان از نظر دور داشت. روس‌ها به کمک سوریه و ایران از سال ۲۰۱۵ در غرب آسیا حضور فعال پیدا کرده بودند. با برگزاری مانورهای مشترک چین - روسیه و ایران در سال ۲۰۲۲ که در سال ۲۰۲۳ نیز تکرار شد، پیام روشنی به آمریکایی‌ها واصل شد که جهان تک قطبی در این منطقه از جهان به تاریخ پیوسته است. به نظر می‌رسد آمریکایی‌ها به همان میزان که نگران گسترش قدرت روسیه در اروپا هستند، در غرب آسیا نیز تحرکات چین را با نگرانی دنبال می‌کنند. این نگرانی را می‌توان در اسناد امنیت ملی و سخنرانی‌های رهبران آمریکا به خوبی مشاهده نمود.

در سند استراتژی دفاع ملی آمریکا آمده است که چین در صدد ایجاد زیرساخت‌های جدید و تأسیس پایگاه‌های برون مرزی برای نمایش قدرت نظامی و امنیتی خود فراتر و دورتر از سرزمین خود است. افزون بر غرب آسیا، کشورهای دیگری در شرق آسیا نظیر ژاپن، کره جنوبی و استرالیا توسعه طلبی‌های چین را بسیار جدی گرفته‌اند. آنان خطر تبدیل شدن رقابت چین و آمریکا را به یک جنگ تمام عیار بسیار محتمل می‌دانند. دلیلی وجود ندارد که آبراه خلیج فارس که به زودی به صحنه رقابت‌های اقتصادی تبدیل خواهد شد، خطر جنگ را به غرب آسیا انتقال ندهد. اساساً پیش‌بینی می‌شود که یکی از مناطق بسیار جدی در رقابت آمریکا و چین همین منطقه باشد، به‌ویژه آنکه متحدان سنتی آمریکا با حجم گسترده روابط همه جانبه خود با چین، پای این کشور را به خاورمیانه باز کرده‌اند. در جانب دیگر آبراه نیز ایران، پاکستان و افغانستان اشکال دیگری از توسعه روابط با چین را تجربه می‌کنند که اصولاً دور از چشم آمریکا اتفاق می‌افتد. اولویت‌های امنیت ملی چین نیز گواهی بر اراده این کشور در عبور از سطح اقتصادی به سایر سطوح نظامی، امنیتی و سیاسی در جهان می‌دهد. در دایره‌های نخستین امنیت ملی چین، امنیت و اقتدار درونی است و سپس موضوع تایوان، سین کیانگ، تبت و مغولستان مهم می‌شوند.

رشد اقتصادی و نوسازی ارتش با هدف کاهش فاصله توان نظامی از آمریکا، اولویت‌های دیگر هستند. همچنین کمربند دریایی چین در شرق آسیا و غرب اقیانوس هند و نیز ابتکار «یک کمربند، یک جاده» بر اساس جغرافیای خشکی پایه از دیگر اولویت‌های چین است که زیرساخت‌های آن به سرعت در پایانه‌های دریایی کشورهای مختلف و گسترش صنعت حمل و نقل در دست انجام است. البته، تقریباً

در همه این موارد رقابت و احیاناً خصومت جدی میان آمریکا و چین به چشم می‌خورد؛ برای مثال آمریکا با استقرار چند صد هزار سرباز در منطقه شرق آسیا و اقیانوسیه به صورت پیوسته چین را مورد تهدید قرار می‌دهد. اگرچه چین در آبراه خلیج فارس هنوز نیروی فرامنطقه‌ای ندارد و این آمریکایی‌ها هستند که بر جریان انتقال نفت و کالا نظارت دارند، اما دیری نخواهد پایید که چین نیز برای حفاظت از جریان تجاری خود با کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس، نیروی نظامی مستقر کند. متحدان سنتی آمریکا از بروز افزایش تنش به شدت نگران هستند، زیرا مطمئن نیستند که آمریکا به تعهداتش نسبت به امنیت آنان وفادار باشد. کاهش تنش و بهبود روابط عربستان با سایر کشورهای منطقه، همسایگان و نیز جمهوری اسلامی ایران را باید در همین راستا ارزیابی کرد.

یکی از اندیشمندان واقع‌گرایی آمریکایی «میرشایمر» مبتنی بر دلایل تاریخی، برخورد آمریکا و چین را بر سر سلطه راهبردی در دریا و خشکی امری قطعی می‌داند. دولت مردان آمریکایی نیز به نظر می‌رسد در صورتی که نتوانند رقابت استراتژیک خود را با چین که بسیار سخت و دشوار و طوفانی است به نقطه تعادل برسانند، ممکن است سطح بازی را از رقابت به خصومت تغییر دهند. این همان چیزی است که رهبران چین را آزار می‌دهد و در مواضع خود پیوسته آمریکایی‌ها را به احترام متقابل و رقابت سالم و سازنده فرا می‌خوانند. افزایش و یا کاهش تنش میان چین و آمریکا در ارتباط با جمهوری اسلامی ایران به میزان منافع این کشور از چرخه نوین اقتصاد جهانی بستگی دارد. در همان حال مواضع جمهوری اسلامی ایران نیز به میزان بهره برداری همه جانبه خود از آبراه خلیج فارس بستگی دارد.